

## «طنز الاهیاتی» و «الیناسیون دینی»

دوست عزیزم منصور هاشمی، در نوشتار اخیرش تحت عنوان «اوتیسم فرهنگی»، در ذیل بحث از این مفهوم که از جمله مفاهیمی است که بر ساخته و در نوشته های خود در سالیان اخیر بکار برده، از سر لطف، به مفاهیمی که طی ده پانزده سال اخیر بر ساخته شده و در آثار مکتوب و شفاهی ام ریزش کرده، اشاره کرده است، مفاهیمی چون: «سالک مدرن»، «ایمان شورمندانه»، «ایمان آرزومندانه»، «ایمان از سر طمانینه»، «مرگ هراسی» و «کور مرگی». برخی از دوستان دیده و نادیده که این نوشتار را خوانده اند، نظرم را درباره آن و احیانا دیگر مفاهیمی که در آثار من سربرآورده جويا شده‌اند. چنانکه در می‌یابم، وام کردن و بکار بستن مفاهیم برای کسی که اهل اندیشیدن و نوشتن است، ابزاری ضروری و تخطی ناپذیر است، بسان چکش و میخ برای یک نجار. همه ما، به مدد مفاهیم رنگارنگ و متنوعی که در زندگی و تجربه زیسته خود با آنها آشنا شده و در سیاق های مختلف بکار بسته ایم، با دیگران مفاهمه و مخاطبه می‌کنیم؛ مفاهیمی که برای ادای مقصود و انتقال معانی بکار گرفته می‌شوند و گریز و گزیری از آنها نداریم. هنگامی که نویسنده ای در مقام انتقال معنایی است که واژه و مفهومی، معادل با آن در زبان مادری خویش نمی‌شناسد و نمی‌یابد، جهت ادای مقصود، مفهومی می‌سازد و بکار می‌برد. رسایی و رهگشایی و جا افتادن این مفاهیم، امری است پسینی - تجربی و از پسند و ناپسند و خوش آمد و بد آمد و سلیقه عمر و زید تبعیت نمی‌کند و متضمن داوری جمعی اهالی فرهنگ در میان مدت و بلند مدت است؛ که به تعبیر ژرف نیما یوشیج: «آن که غربال به دست دارد، از عقب کاروان می‌آید». مبتنی بر آثار مکتوب و شفاهی منتشر شده ام طی پانزده سال اخیر، افزون بر مفاهیمی که منصور هاشمی در مقاله «اوتیسم فرهنگی» بر شمرده، در مکتوبات و درسگفتارهایم، سه مفهوم دیگر نیز سر بر آورده‌اند: «متافیزیک نحیف»، «طنز الاهیاتی» و «الیناسیون دینی». سید هادی طباطبایی، دوست و پژوهشگر عزیز، در دو اثر «حدیث نواندیشان دینی: یک نسل پس از عبدالکریم سروش» و «با دباغ، بر سر سفره سهراب»، به عموم این مفاهیم پرداخته و آنها را بر رسیده است. عزیزان علاقه مند، می‌توانند به این دو اثر محققانه مراجعه کنند. دو مفهومی که کمتر درباره آنها نوشته ام و نیازمند بسط بیشتری هستند، عبارتند از «طنز الاهیاتی» و «الیناسیون دینی». «طنز الاهیاتی» ناظر به توصیف وضعیت و موقعیتی است که شخص، اعتراضات، شکایات و گله های عمیق اگزیستانسیل خود، ناظر به نا تراشیدگی ها و زمختی های هستی و جهان پیرامون و انواع ناملایماتی را که در زندگی رخ می‌دهد، بیان می‌کند؛ آنچه ذیل مقوله «مسئله شر» در ادبیات مباحث فلسفه دین و الاهیات فلسفی صورتبندی شده است. در سنت ایرانی - اسلامی پس پشت، عطار نیشابوری و حافظ شیرازی، در اشعار عافیت سوزی نظیر «پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت/

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد» و «گفت ای دارنده دنیا و دین / چون نداری رزق کمتر آفرین»، از جمله شاعر-متفکرانی بوده اند که به تعبیر من، بر طبل «طنز الاهیاتی» کوبیده‌اند. طنز را به معنای فرویدی کلمه و ناظر به یکی از مکانیسم‌های دفاعی بالغانه (mature defense mechanism) بکار می‌برم؛ امری که در کاستن از تلاطم‌ها و پاشانی‌های روانی، در جای خود موثر و رهگشاست. به نظرم، در وضعیت فرهنگی اینجا و اکنون، دمیدن در تنور طنز الاهیاتی، به غنای بیشتر دین پژوهی و دین اندیشی در میان ما می‌انجامد. افزون بر این، «الیناسیون دینی» که بر سیاق مفهوم «الیناسیون فرهنگی» به روایت علی شریعتی ساخته شده و نسب نامه هگلی - مارکسی دارد، معطوف به تاکید بر دیانت و فقاقت منسلخ و منعزل از اخلاق است؛ از خود بیگانگی دینی‌ای که اخلاق و شهادهای اخلاقی متعارف انسانهای پیرامونی را به قیمت بر کشیدن فقاقت راست کیشانه، فرو می‌نهد و در آنها به دیده عنایت نمی‌نگرد. مقالاتی که طی یک دهه گذشته درباره مقولات و موضوعاتی چون «حجاب»، «ارتداد»، «مباهته»، «سبّ النبی»، «سنگسار» و «ازدواج عرفی» منتشر کرده‌ام؛ جستارهایی که در دو اثر «حجاب در ترازو» و «ورق روشن وقت» منتشر شده‌اند، از همین منظر و با عنایت به این مفهوم بوده است. امیدوارم مجالی بیابم و در اولین فرصت درباره این دو مفهوم، بیشتر بنویسم.

برای خواندن نوشتار «اوتیسم فرهنگی»:

[mansurhashemi.com/2020/05/17](http://mansurhashemi.com/2020/05/17)